

زنان دینی مطالعات برفضای چیرگی سنت

مطالعات زنان (با گرایش دینی) در ایران پس از انقلاب اسلامی در مقایسه با پیش از آن

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مهدی مهریزی

مطالعات زنان، با گرایش دینی در ایران پس از انقلاب (طی این سه دهه) از چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار است؟ این مطالعات از چه تمایزها و امتیازاتی نسبت به پیش از انقلاب برخوردار است؟
حجت‌الاسلام مهریزی: در حوزه مطالعات زنان، در منظر دینی، پس از انقلاب چند کار مبنایی انجام شده که می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. تأسیس بنیادهایی که می‌تواند به کارهای پژوهشی جهت دهد. این کارها را می‌توان در چهار محور معرفی کرد:

۱-۱. مؤسسه‌ای که مطالعه در مسائل زنان جزو برنامه‌های آن‌هاست؛ مثل مرکز مطالعات زنان در شهر قم و نیز در شهر تهران مراکزی تشکیل یافته که در این حوزه مشغول فعالیت هستند.

۲-۱. نشریاتی که در این حوزه سامان گرفتند. برای نمونه، نشریه «پیام زن» که نزدیک بیست سال منتشر می‌شود؛ مجله «زنان» که گرچه حوزه عام‌تری از مسائل زنان را پوشش می‌دهد؛ بخشی از آن، به مسائل زنان، از منظر دینی پرداخته می‌شود؛ مجله «فرزانه»، که توسط مرکز مشارکت زنان اداره می‌شود؛ «ریحانه»، توسط مرکز مطالعات زنان در قم سامان می‌گیرد و مجله «حقوق زنان» که هم‌اکنون متوقف شده است.

۳-۱. سمینارهایی که در این حوزه انجام شد. از جمله شاخص‌ترین آن‌ها که آثاری از آن نیز منتشر شد؛ یکی سمیناری با عنوان «تبیین دیدگاه‌های امام خمینی درباره زن»، که در سال ۷۸ برگزار شد، سمینار دیگری با عنوان «زن و گفتگوی تمدن»، در تهران برگزار شد و بحث «هم‌اندیشی حجاب» که سال قبل در قم برگزار شده است.
۴-۱. تأسیس رشته مطالعات زنان با گرایش دینی در دانشگاه‌های کشور که برنامه‌ریزی آن از سال ۷۶ آغاز شده و از سال ۸۰ پذیرش دانشجو داشته است.

۲. مکتوباتی که در مسائل مربوط به زنان (با گرایش دینی) داشتیم. این مکتوبات دارای سه جهت گیری بوده که برخی از آن‌ها جدیدتر بودند:

۱-۱. یکی از انواع این مکتوبات، تلاش برای ارائه دیدگاه عقلائی و باورهای است که در این حوزه وجود دارد؛ مانند کتاب زن در آینه جمال و جلال الهی از آثار آیت‌الله جوادی آملی است که مشابه همین کار را مرحوم مطهری، پیش از انقلاب با عنوان نظام حقوق زن در اسلام نگاشته و در واقع، این دو کتاب، یک روش، منهج و یک خط کلی را دنبال می‌کنند.

۲-۱. نوع دیگری از مطالعات، که پس از انقلاب انجام شد و آن نیز دارای مشابه، پیش از انقلاب است، نگاشته‌هایی است که به حضور زنان در تاریخ اسلامی در زمان پیامبر(ص) پرداختند؛ مانند کتاب محدثات شیعه، اعلام النساء شیعه که به عربی منتشر شده است و مشابه این‌ها پیش از انقلاب مانند کتاب ریاحین الشیعه، نوشته ذبیح‌الله محلاتی در پنج جلد، شرح و تفصیل درباره زنان دوره‌های قبل بود.

۳-۱. نوع سوم از مکتوباتی که نسبت به پیش از انقلاب، نو و جدیدتر محسوب می‌شود، بازنگری یا بازخوانی منابع دینی در حوزه فقه زنان و حقوق زنان است که پیش از انقلاب، نمونه‌ای از این روش نداریم؛ مانند حقوق زن، اثر دکتر مهرپور که توسط انتشارات اطلاعات منتشر شد. این کتاب، بخش مهمی از حقوق زنان را در خانواده مطرح کرده، سعی داشته بر دیدگاه مشهور خدشه وارد کند و دیدگاه جدیدی را مطرح نماید.

این نوع مطالعه بر خلاف کارهای نوع اول که تلاش آن‌ها بر تبیین و دفاع از رأی مشهور بود، در این نوع نگارش، تلاش بر بازخوانی و تعبیر رأی مشهور است. برای نمونه در بحث بلوغ دختران، آقای جوادی آملی می‌فرمایند: تفاوت شش سال بلوغ بین دختر و پسر، برای آن است که زنان در ایام عمر خود، چند روزی را از تکلیف دینی معافند و این چند سال، جبران آن می‌کند. این یک نوع دیدگاه است و دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که معتقد به آن است که ادله بلوغ، یک بار دیگر بازخوانی شوند و این که آیا بین بلوغ دختر و پسر فرقی وجود دارد یا خیر؟

دیدگاه دوم، موضوع نگاشته‌هایی است که پس از انقلاب سامان گرفتند. منسجم‌ترین آثار در این حوزه، کتاب آقای مهرپور است. البته نگارش‌های دیگری نیز وجود دارد که امثال آیت‌الله صانعی در نوشته‌های مربوط به فتوا داشته‌اند و نیز جزوه‌هایی که با عنوان بلوغ دختران، حضانت مادر، دیه زن و مرد، ارث زن و مرد در این گروه قرار می‌گیرند.

ارزیابی شما از وضعیت مطالعات مربوط به زنان، به لحاظ کمی و کیفی چگونه است؟

حجت‌الاسلام مهریزی: کارهای جدی در این حوزه بسیار اندک است.

دلیل این اندکی چیست؟

حجت‌الاسلام مهریزی: چند علت می‌تواند داشته باشد که از جمله آن:

۱. عدم اطلاع از مطالعاتی که در جهان اسلام و غیر آن در باره مسائل مربوط به زنان اتفاق می‌افتد.
۲. حاکمیت فضای سنتی، که بسیاری جرأت و جسارت ورود به این مسائل را نمی‌یابند و لذا زمینه پرداختن به این مباحث موجود نیست.

درباره آثار ترجمه‌ای در این حوزه، چه نکاتی را قابل طرح می‌دانید؟

حجت‌الاسلام مهریزی: در این حوزه، آثار ترجمه‌ای نیز بسیار اندک است، جز چند اثر، از جمله تألیفاتی از آقایان فضل‌الله، شمس‌الدین و خانم فاطمه مرینی است.

مطالعات مربوط به زنان (با گرایش دینی) در مقایسه با وضعیت جهانی چگونه است؟

حجت‌الاسلام مهریزی: در مقایسه با وضعیت جهانی موفقیت‌چندانی نداشتیم. برای نمونه، در جهان عرب، مجموعه‌ها و کتاب‌نامه‌های متعددی در این باره وجود دارد؛ از جمله کتاب المفصل فی فقه المرء است که در یازده جلد، به مسائل فقه زنان می‌پردازد؛ کتاب جامع احکام النساء در پنج جلد، از تألیفاتی است که در کشورهای عربی منتشر شده است و نیز در جهان عرب، حدود هشت جلد عنوان کتاب در موضوع سهم زنان در نشر حدیث تألیف شده که در کشور خودمان، در این موضوع، تنها دو عنوان داریم که یکی کتاب محدثات شیعه است که پایان‌نامه فوق لیسانس بود و دیگر کتاب سهم زنان در نشر حدیث که توسط بنده منتشر شده است. در دیگر کشورهای جهان نیز مطالعات در این حوزه در صدر بحث‌های صدر اول کارهای پژوهشی قرار دارد.

درباره آسیب‌شناسی این مطالعات طی این سه دهه چه نکاتی را قابل طرح می‌دانید؟

حجت‌الاسلام مهریزی: از آسیب‌های مهم در این مطالعات به چهار مورد اشاره می‌کنم:

۱. اطلاع اندک از تألیفات در زبان‌های دیگر؛
۲. انتشار نگاشته‌های تکراری و ضعیف در این حوزه؛
۳. توجه اندک به بحث‌های جدی در افق‌های جدید؛
۴. عدم تدوین مجموعه‌ها؛ مانند جمع‌آوری فقه زنان، جمع‌آوری آیات مربوط به زنان و پاسخ به شبهات آن، جمع‌آوری احادیث مربوط به زنان و... است.